

جلسه دوم . ۱۹، ۱۱، ۹۲

مارکسیست ها تقسیم بندی دو قسم دارند :

\* منطقه گرایی جدید با منطقه گرایی قدیم تفاوت دارد ، قبل از تحولات اخیر (قبل از جنگ سرد) اهداف منطقه گرایی ، رسیدن به امنیت

تفاوت دیگر مربوط به بازنگران است . در منطقه گرایی قدیم ، روابط دولت - دولت مطرح بود . اما امروزه بازنگران غیردولتی نیز اضافه شده اند .  
تفاوت سوم این است که

تفاوت چهارم این است که ارتباطات در قدیم محدود بود . اما امروزه ارتباطات مناطق با هم نیز دستخوش شده است .

**خاورمیانه :** یک اصطلاح جدید و متناهی است و در منابع با خاور دور و خاور نزدیک مطرح شده است . خاور دور به کشورهای شرق آسیا نظیر چین و هند اشاره می شود و خاور نزدیک به کشورهای منطقه غرب آسیا که نزدیکتر است به اروپا و آمریکا ، اشاره می شود و کشورهای میان این دو خاور میانه هستند . اولین کسی که این واژه را به کار برد ، «آلفرد ماسان» در ۱۹۰۲ بود .

اصطلاح خاور میانه یک اصطلاح فرضی است و اجماع در خصوص کشورهای خاور میانه وجود ندارد . برخی می گویند مناطق شمال آفریقا ، افغانستان و پاکستان . اما اجماع در این است که اردن ، خلیج فارس و ایران ، بحرین ، سوریه ، عراق ، عربستان ، کویت ، مصر ، یمن ، امارات ، عمان ، قطر ، لبنان ، فلسطین (در سرزمین های غاصبانه) کشورهای خاور میانه اند . اما در خصوص الجزایر ، تونس ، لیبی ، مراکش و سودان تردید وجود دارد . در مورد این که ترکیه جزو خاور میانه است تردید و اختلاف وجود دارد . عده ای ترکیه ، جزو خاور میانه محسوب نمی شود ، لیکن یک بازنگر حاشیه ای و کمتر در خاور میانه است . در کل باید گفت تعریف واحدی از آن نیست . یکی از دلایل این موضوع این است که قدرت های

بزرگ مطابق با منافع خود به قبض یا تسلط فارس و ایران پرداختند. به طور کلی می توان گفت از مهر تا ایران جزو خاور میانه است. در این که ایران جزو خاور میانه است، نسلی نیست.

آمارها

۹۷٪ عرب زبان، مابقی فارسی زبان.  
۹۳٪ مسلمان، ۳٪ مسیحی، ۲٪ اهودی.  
جمعیت ۱۹۹۵: ۲۴۷ میلیون و در سال ۲۰۲۵: ۵۰۰ میلیون.  
ساحت ۷۱۵ میلیون کیلومتر مربع.  
۶۵٪ نفت جهان.

اثری مهم ترین بحث که باعث تقاضای زیاد شده است. چهار راه ارتباطی است و شبکه های مهم و معروف دارد. چهار راه ارتباطی شرق و غرب است. ایدئولوژی اسلام در این منطقه وجود دارد. البته بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موجب شده منطقه به نام تروریسم شناخته شود. وجود اسرائیل و تقاضات موجود که موجب تشکیل یک کانون بحران در منطقه شده است.

تاریخچه

مبدأ اسلام تا فردایش امپراتوری عثمانی. بعد از پیامبر اسلام گسترش حکومت اسلام تا مناطق شام و مصر ادامه پیدا می کند و بعداً قسمت شمالی آفریقا تا سال ۷۰۰ م. در اختیار مسلمانان بوده است و از شرق تسلط بر ایران تا سال ۶۵۳ م. ادامه می یابد... جنگ های صلیبی از قرن ۱۱ م.

امپراتوری عثمانی از یک حاکم محلی شکل گرفته و کم کم گسترش یافت... ورود عثمانی به اروپا با پیروزی رانته همراه بود؛ همین مسئله موجب جذب مردم شد. دوره امپراتوری عثمانی را می توان به ۳ قسمت تقسیم کرد: ۱. دوران رشد نظامی و شکوفایی از قرن ۱۳ تا ۱۶۶۷. دوران افول، توسعه نیافتگی، شکست های زیاد از قرن ۱۶ تا ۱۹ (دلیل اول: عدم ترمیم تکنیک ها و ابزارهای نظامی / فساد امپراتوری / ضعف ارتش / بی کفایتی سلاطین / عدم اعتماد و عمل به اسلام / رشد و پیش رفت اروپا) ۳. دوره اصلاحات که با متوقف شدن به ضعف خود یک سری اصلاحات ساختاری انجام می دهند و یک طبعی نخبگان (ترکان جوان) شکل می گیرد که دنبال قانون اساسی بوده اند. البته اصلاحات سریع موجب سریع افول امپراتوری عثمانی گردید. استیفاء بزرگ ترکان جوان این بود که به ناسیونالیسم ترکی تأکید داشتند. بعداً کم کم به سمت سکولاریسم رفتند و به سرکوب اقلیت های دینی و مذهبی پرداختند. جنگ جهانی اول پیمان کار امپراتوری عثمانی است. آن ها ابتدا طرفدار آلمان ها بودند و بدین ترتیب انگلستان بغداد و بیت المقدس را در اختیار گرفت و امپراتوری عثمانی تجزیه شد. در این میان پس از جنگ جهانی فردی به نام مصطفی کمال با متحد کردن بخش مردم توانست بخش مناطقی تصرف

شد را باز پس گرفت و در ۱۹۲۳ دولت ترکیه تشکیل شد و انگلیس تبدیل به یک رئیس جمهور دائمی برای ترکیه بود. مهم ترین اقدام او عثمانی زردایی بود، چقرمان با او رضاخان در ایران این کار را انجام داد.

اندراض امپراتوری عثمانی موجب تغییرات وسیع در منطقه سی خاور میانه شد. از ۱۹۱۸ تا ۱۹۶۰ نقش سی خاور میانه سی نوبن شکل گرفت. ~~باز~~ <sup>یا قدرت</sup>

\* پس از جنگ جهانی اول ۳ جریان در خاور میانه شکل گرفت: ۱. انگلیس (اهداف: حفظ سلطه بر هند و وجود مناطق اطراف هند و دیواری حائل برای حفظ هند. لذا انگلیس از کانال سوئز تا دریای هند را تداوم می کرد و تصرف کند. اسلط و دسترس به نفت / نگران مخالفت بود و از شکل گیری حکومت های مخالف جلوگیری می کرد.)

۲. فرانسه (اهداف ابهام دارد. بیش تر منافع تجاری را دنبال می کردند. در بسیاری جنگ جهانی اول، ۱۶۰٪ بدو سهم عثمانی به فرانسه بوده است. در سال ۱۹۰۶ قرارداد بین انگلیس و فرانسه بسته شد و حوزه سی نفوذ خود را مشخص کردند. بهر انگلیس و مغرب، تونس، الجزایر به فرانسه رسید. فرانسه در حوزه سی سابقات نفوذ نرم داشت. بعدها قرارداد سالیس بلیو بین آن دو امضا شد. سوریه و لبنان در اختیار فرانسه و عربستان و عراق و فلسطین در اختیار انگلیس قرار گرفت.

۳. بازیگران محلی: مصطفی کمال آتاترک؛ رضا شاه؛ محمد نجف (مراکش)؛ حبیب بورقبیه (تونس) سطحی مشترک هر چهار بازیگر غربی برای آن ها بود.

۱۹۱۷ ← اعلامیه سی بالفور (تشکیل اسرائیل)

۱۹۲۰ ←

جلسه سوم، ۲۶، ۱۱، ۹۲

طغیان اعراب در شمره داشت. زمینه ای شد برای سقوط امپراتوری عثمانی و روابط اعراب با انگلیس شکل گرفت. شریف حسین « با اعلام استقلال در سال ۱۹۱۶ در حجاز حکومتی را شکل داد. روابط با حاکم مصر که از سوی انگلیس تعیین می شد داشت. قرارداد سالیس بلیو امضا شد که گفته شد. در قرارداد اولیه امتیازات برای روسیه در نظر گرفته شد. اما پس از بازیگری در قرارداد امتیازات روسیه حذف شد؛ چرا که رقیب انگلیس محسوب می شد. انگلیس با تقویت با شریف حسین، پادشاه اردن و عراق را به شریف حسین سپرد. فیصل در عراق و عبدالدر اردن و شریف حسین در حجاز حاکم می شوند. اما شریف حسین زیاد دوام نیاورد و توسط سعودی ها سرنگون شد. فیصل هم در عراق برکنار شد ولی عبدالدر و فرزندان او تاکنون بر اردن حکومت می کنند.

۱۹۱۷ ← اعلامیه سی بالفور صادر می شود. « بالفور » وزیر امور خارجه انگلیس: « کردو راتسچیلد » نامه ای

ارسال کرد. پیش نویس های زیادی برای این اعلامیه صورت گرفت. مهم ترین قسمت این نامه این است: دولت انگلیس به تأسیس یک موطن ملی برای یهودیان به دیده سی مساعد می نگرد و همی مساعدی خود را برای آن به عمل می آورد و در این راستا باید

از نظر حقوق مدنی همه ی اقوام غیر یهودی فلسطین اجنبی - سود .

سیاسی : جلب حمایت امریکا و روسیه برای شرکت در جنگ (جلب حمایت یهودی) امریکادروسیه

از تلاطم خاور میانه می توانند سکونت یهودیان را فراهم کنند و این مسئله را فایده دهند .

ارابطای شخصی : نفوذ یهودیان در سیاست و حکومت انگلستان که موجب صدور این بی بنیاد

بعد از جنگ جهانی اول ، جامعه ی ملل شکل گرفت .

مقرهای کنونی در کنترانس « سن رمو » تعیین شد . به اختلافات قومی ، قبلیه ای توجه وجود داشت تا مانع باشد

برای جدگیری از جنگ .

مصر : از ۱۸۸۲ یک استان مستقل از امپراتوری عثمانی شناخته می شد و نفوذ انگلستان ؛ طرز غیر مستقیم وجود

داشت . هدف انگلستان دسترسی به کانال سوئز بود . بعد از جنگ جهانی اول با سورس ها مصری ها ، انگلستان

با شرایط استقلال مصر را پذیرفت ( از ۱۹۲۱ ) . این شرایط عبارتند از :

سیاست فرانسه ، سیاست عسکری سازی بود ؛ یعنی تغییر زبان دهوی مردم به فرانسوی . برخلاف انگلستان که حاکم مصری استیلا - مرکز و ملی توسط انگلیس ها اداره می شد .

۱۸۸۰ - لیبی متصرفه می ایستادند

جمع بندی از خاور میانه بعد از جنگ جهانی اول

- نابودی امپراتوری عثمانی و جایگزینی ترکیه ؛

- فرانسه و انگلستان غالب شدند ؛

- فلسطین

- مصر واردن استقلال شکننده تحت نظر انگلستان داشتند ؛

- ایران و عربستان (حجاز) تنها کشورهای مستقل بوده اند .

ترکیه ، ایران ، عربستان

بعد از جنگ جهانی اول تغییرات گسترده ای با حضور آتاترک صورت می گرفت . ۱ تبدیل رعایای امپراتوری به شهروندان

ترک با هویت جدید ۲ دستگاه حکومتی جدید بعد از چند قرن با امپراتوری مرشد ۳ تغییرات اجتماعی گسترده ۴ توسعه

اقتصادی و مدرنیتر کردن .

شکل بھی کے آٹا تورک با آن در تیر بود ، حویتہ مستقل ملکی ترکی بود ، چنانکہ ترکیہ از حویتہ ها مختلف شکل می شد و قومیت کس مختلفین حضور داشتند .

اصول کمالیسم ( اصولی کے آٹا تورک بر اساس آن 7 اصل ترکیہ را بنا کرد )

- 1 ← مردم گرایی بہ معنای ایجاد ملیت واحد ترک
- 2 ← دولت گرایی کہ ملازم با نظامی است . دولت مبنی بر حضور ارتش
- 3 ← نظامی گرایی ، ارتش ارتش را برہیتہ کرد و مخالفان را بہ شدت سرکوب کرد
- 4 ← جمہوری گواہی ، تبدیل امپراتوری بہ جمہوری
- 5 ← سکولاریسم
- 6 ← اصلاح طلبی و انقلابی ترکی

هدف از این اصول ، دولت - ملت سازی است . آٹا تورک مذہب را عامل عقب ماندگی می دانست . او الفبا و رسم الخط جدیدی شکل داد . حجاب را ممنوع کرد ، ...

← ایران

۱۹۲۱ ← کودتای رضاخان کہ بہ دنبال تغییرات گسترده بود . در پی تقویت حکومت مرکزی بود . ارتش را تقویت کرد . بہ توسعه اقتصادی توجه کرد . دیوان سالاری تغییر کرد . کشف حجاب ، کلاه پہلوی و ...

← عربستان

بہ دلیل بُعد مسافت کے از امپراتوری عثمانی داشتیم کم تر مورد توجه بوده . بیش تر بہ دلیل متحد مشرک نہ برده کے ترم بہ آن سر شدہ . منابع ہم نداشتیم .

در سال ۱۹۰۲ عبدالعزیز بن عبدالرحمن حکومت اولیہ عربستان را شکل داد .

تاریخ پایه ریوی آل سعود : ۱۷۲۶ توسط محمد بن سعود در حوالی نجد ریاض .

او هلافاً تم ہم با محمد بن عبد الوہاب دارد کہ این دو یعنی آل سعود بل نظام حکومت و وہابیون یا عبدیہ را برپا کردہ بہترین . در سال ۱۸۰۲ بہ کربلا حمله کردند ؛ این از جملہ اوامات انبیا اس آن ہا بود .

در ۱۸۸۰ از ترک خاندان بہ نام الرشید شکست می خوردند .

در ۱۹۰۲ عبدالعزیز بن عبدالرحمن حکومت ریاض را پس می گیرد و تلاش می کند برای گسترش وہابیت در عربستان و از این دورہ مورد توجه انگلستان قرار می گیرد .

در ۱۹۲۴ طائف و سپس مکہ را فتح می کنند . در ۱۹۲۵ مدینہ و جدہ تصرف می شود . در ۱۹۲۶ عبدالعزیز خود را پادشہ

عربستان می خواند اما رسماً در ۱۹۳۲ پادشاه می شود . چون هنوز مسلمان تہت مطرح نبود ، از نظر اقتصادی ضعیف بودند

بعدها با بنی و قراردادش با آمریکا کم شو بعد می شوند عبدالعزیز در ۱۹۵۴ مرد و برادرش ملک نصیل به حکومت رسید و به اصلاح وضعیت سیاسی و اقتصادیک عربستان می پردازد.

\* در ترکیه، ایران و عربستان :

سیاست کاملاً شخصی است و حکومتی که عمدهً توسط یک نفر ایجاد شده اند. به جز ایران که حضور بیجاگان بین دیده می شود. هر ۲ کشور هم به سوی مدرنیزاسیون می روند و کمک دارند به ارزش های که با ارزش های جامعه ضلح سازگار نیست. عنصر مهم در شکل گیری این تحولات در این دوران « ناسیونالیسم » است.

جلسه ک چهارم ۹۲/۱۲/۳

ظهور رژیم صهیونیستی

دولت اسرائیل بنی بر سه اصل شکل گرفت :

۱. وجود یهودیان به عنوان یک هویت منحصر به فرد و یک ملت متمایز ؛
۲. قرار دادن ملت در سرزمین مشخص (ارض مورد)
۳. استقلال حتمی و ارض این کشور در قالب جدید (۱۹۴۸)

شکل گیری این رژیم ناشی از اقدامات « هرزل » « بن کوریون » « وایزمن » بوده است و مهاجرت گسترده ای به فلسطین صورت گرفت و دلیل این مهاجرت روگردانی یهود استیزانان در اروپا بوده است و هم چنین یک سری آموزه های دینی به این مهاجرت دامن زد.

۱۸۰۰ م جمعیت یهودیان که ۹۰٪ در اروپا و ۱۰٪ در فلسطین

« هرزل » یک روزنامه نگار یهودی و آرشه است که گمانی نوشته به عنوان « دولت یهود » که به دنبال تأسیس دولت یهود بر اساس هویت یهودی و حق تعیین سرنوشت برای آنان بود.

در ۱۸۹۷ اولین کنفرانس یهود در بازل سوئیس با حضور ۲۰۰ نفر از مستقران یهودی آغاز شد و

۱) ساکن شدن در فلسطین و ایجاد مناطق مسکونی

۲) سازماندهی و ایجاد یهودیان جهان

۳) افزایش آگاهی و احسان ملی یهودی

۴) کسب حمایت دینی و سیاسی از آلمان پس صهیونیست

کنفرانس دوم در سال ۱۸۹۸ یک سری نهاد های یهودی شکل گرفت. از جمله یک بانک صهیونیستی، صندوق ملی یهودی برای تأمین و خرید ارض فلسطین، آژانس ملی یهود برای اداره ی مغل یهودیان، نیروی دفاعی به نام «هاگانا»

پنج موج مهاجرت شکل گرفت: موج اول (۱۸۸۲ - ۱۹۰۰) حدود ۲۵۱ هزار / موج دوم (۱۹۰۴ - ۱۹۱۳) ۲۵۱ هزار / موج سوم (۱۹۱۹ - ۱۹۲۳) ۳۷۱ هزار / موج چهارم (۱۹۲۴ - ۱۹۲۸) ۷۰ هزار / موج پنجم (۱۹۳۲ - ۱۹۳۹) ۲۰۰ هزار

مهاجران روی کار آمدن هیتلر و سیاست های یهود ستیزانه ای هیتلر - موج اول ناموفق بود؛ چون بیشتر مهاجرین به دلیل عدم آشنایی با فلسطین و عدم توانایی خرید زمین و عدم تخصص نتوانستند جایگاه مناسبی پیدا کنند و بسیاری از آنان برگشتند.

موج دوم اثرات ویزا و کارکرد بودند چون چیزی برای از دست دادن نداشتند، مجبور شدند بمانند و با محیط سازگار شوند و زمینه را برای مهاجرت موج ای بعدی فراهم کردند.

موج ای بعدی تجار و شهرنشینان بودند که توانستند شهرک ای صهیونیستی ای را بکشند و زمین ای فلسطین را بخرند.

حقیقت فلسطین در ۱۹۴۸ ، ۱،۳۰۰،۰۰۰ نفر بود.

متفقین بودند که فلسطین سرزمینی است بدون مردم و فاقد دولت.

تا سال ۱۹۴۸ ، نقطه ۱.۶ اراض فلسطین توسط اسرائیلها خریداری شده بود.

در سال ۱۹۴۷ که انظار اعلام کردند خواهان فلسطین مستقل کنند، یک رقابت توسط اسرائیلها شکل گرفت تا جابزین اعلان شوند. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ قطعنامه ۱۸۱ شورای امنیت صادر شد مبنی بر این که فلسطین باید به دو دولت عربی و یهودی تقسیم شود و بیت المقدس و بیت اللحم مناطق بین المللی باشند؛ یعنی تحت تسلط هیچ کدام از دولت ای نباشند. اسرائیل به سرعت قطعنامه را پذیرفت. ۵۵٪ از زمین ای حاصلخیز به اسرائیل و ۴۵٪ مابقی به فلسطین می رسید. فلسطین ای آن را رد کردند. در فاصله ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۸ اسرائیل که تنها بنای دولت خود را محکم کردند. یهودی ای به استفاد قطعنامه ی شورای امنیت دست به گسترش اراض خود زدند. آن ایها استناد از نیروی نظامی ای گانا دست به جابز زدند و حدود ۹۰۰،۰۰۰ نواز فلسطینیان آواره شدند.

بعد از اعلام استقلال اسرائیل در ۱۹۴۸ ، کشورهای عربی به اسرائیل حمله کردند و شکست خوردند. بعد از شکست در چهار جنبه، اعراب روی به رویکرد سیاسی آوردند و مذاکره ای یک دیوید در ۱۹۷۹ شکل گرفت.

ناسیونالیسم

یک عامل مؤثر در شکل گیری کشور ای جدید در خاور میانه است.

ناسیونالیسم: یک عامل دبستگی به یک فکر و سرزمینی مشخص از طریق پیوند ای مشترک هویتی مثل زبان، تاریخ، فرهنگ، تجربه، احساس و ...

ناسیونالیسم دو بعد مهم دارد: ۱. جغرافیایی، سرزمینی ۲. ملّی (هویت ملّی)

نفس نخبگان در ایجاد ناسیونالیسم مؤثر بوده است.

البته هنوز هم ناسیونالیسم به معنای کامل در خاور میانه شکل نرفته است.

در امپراتوری عثمانی هم نوعی ملی گرایی وجود داشت که سرکوب شدند. گاهی هم در صدر ایجاد یک علقه‌ی به سلطان در مردم بودند.

ملی گرایی اعراب در قرن ۲۰ تحت تأثیر استعمار اروپاییان بوده است. چون تیموتی آن لارانشان و فرانسه در رست داشتند.

ملی گرایی باعث شکل گیری برخی اتحادیه‌های بزرگ رجم شده مثل فدراسیون بزرگ عربی (توسط جمال عبدالناصر) یا بن عربیسم سوریه و مصر در ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱.

در خاور میانه چند نوع ملی گرایی را شاهدیم:

- ← ملی گرایی صهیونیستی
- ← ملی گرایی فلسطینی

تصنّفی، مبتنی بر آموزه‌های یهودی با زور و ارباب آریان عربی، اسلامی است.

← ملی گرایی مصری که تحت تأثیر جمال عبدالناصر بوده است و رویای او تشکیل فدراسیون بزرگ عربی بوده است که شکست خورد.

← ملی گرایی در الجزایر، لیبی، مراکش که تصدوی متفاوت است؛ همراه با خونریزی بوده و ضربه‌های طوفانی که ملی گرایی کامل کرده است.

ایمان دهه‌ی ۷۰ نخست از ملی گرایی گذر کرد به خاور میانه به ترتیب بود ملی گرایی در خاور میانه تحت تأثیر چند عامل بوده است:

- ۱ ← نخبگان → نخبگان عربی گرا؛ به دنبال ناسیونالیسم مدرن نخبگان ضد غرب که به دنبال ناسیونالیسم سنتی

۲ ← ارتش‌ها: چون کشورها ساختار سیاسی نداشته، تحت تأثیر نخبگان نظامی و ارتش‌ها بوده اند.

۳ ← دخالت بیگانگان: مبارزه‌ی مردم علیه استعمار باعث اتحاد می‌شد.

۴ ← اقتصاد و نفت: نفت باعث استعمار شد و ساختار کشورها هم وابسته به نفت بوده است. نفت باعث شد مردم وضعیت اقتصادی مطلوب را مطالبه کنند که این باعث اعتراض می‌شد. یک نفس دوگانه در شکل گیری ناسیونالیسم داشتند.

جلسه‌ی پنجم: ۹۲، ۱۲، ۱۰

طبعاً بزرگ ساختار سیاسی کشورهایی خاور میانه



می توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱) انحصاری ۲) دموکراسی ۳) پادشاهی

**انحصاری:** مبتنی بر دیکتاتوری، استبداد و سرکوب هستند. تونس قبل از انقلاب، الجزایر، سودان حکام اجاره ای و روز تحبطان به عرصه سیاست را نمی دهند.

**دموکراسی:** شاخصه این از نظام های مردم سالاری را دارند: ایران، عراق بعد از صدام

**پادشاهی:** کشور های عربستان، مراکش، اردن، حاشیه خلیج فارس. مبتنی بر وراثت و پادشاهی است. مشروعیت آن سنتی است. در مقایسه با دولت های انحصاری اختار های سنتی تر دارند

غربی ها دو کشور را دموکراسی نمی دانند: ترکیه و اسرائیل.

\* در یک تقسیم بندی دیگر: ۱. جمهوری ۲. پادشاهی

- در جمهوری های منطقه معمولاً:

انتخابات محدود است / سلطه قوه مجریه بر سایر قوا محسوس است / آزادی اجتماع محدود است / آزادی بیان محدود است. بحران مشروعیت دیده می شود / تقسیم قوا کامل نیست.

بحران مشروعیت باعث می شود مابین حکومت متزلزل می شود.

**بنیای مشروعیت (وی):** سنتی، قانون، کارفرما.

\* کشور های خاورمیانه از حیث شاخص های دموکراسی:

۱- مجلس قانون گذاری. کشور های سیاسی، نزاجم آرو... از کارکرد این مجلس است. کارکرد های دیگر: بنیای مشروعیت

همه دولت حکومت هستند؛ با سطوح دستگاه های دولتی؛ وضع قانون.

در کشور های خاورمیانه عده ای پارلمان تابعی از قوه مجریه است.

در برخی کشور (عربستان، قطر، عمان، امارات) به جایی پارلمان، شورای مشورتی دارند که اعضایی آن را پادشاه تعیین می کند. این شوراها قدرت تصمیم گیری و قانون گذاری ندارند.

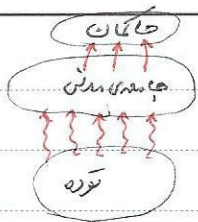
۲- انتخابات: بعضی کشور انتخابی است آزاد دارند مثل ایران و عراق. بعضی کشور انتخابی ندارند؛ کشور های

شورای حکام خلیج فارس به جز کویت. بعضی کشور انتخاب محدود و یک فام دارند مثل مصر در زمان مبارک. در مجموع در خاورمیانه اقتدارگرایی نقش عمده دارد.

۳- آزادی افراط سیاسی: در بسیاری از کشورهای خاورمیانه حزب جایی ندارد. در مصر افراط بسیار محدود اند

در یونان شکل افراط منوط به تصمیم دولت است. در کشورهای خلیج فارس شکل فر- منع است.

افراط سیاسی در خاورمیانه استناد دارد نیستند. منابع مالی کافی ندارند. وابسته به حکومت هستند. تجربه دموکراسی کشور های این است. استقلال ندارند.



4- جامعه‌ی مدنی : رابطه‌ی است میان توده‌ی مردم و حاکمان که مسائل توده را دست‌نزدی می‌کند و به حاکمان می‌رساند. هر توده‌ی عامل جلوتری از توده‌ی خواهش‌های حاکمان باشد. در خاورمیانه، جامعه‌ی مدنی توسعه یافته نیست، ولی در مصر، ایران، ترکیه کم‌وبیش وجود دارد. باعث جرفش تخت‌نشان است.

5- آزادی مطبوعات : در بسیاری از کشورها (عربستان، اردن، ...) محدودیت زیاد وجود دارد و روزنامه‌ی مستقل وجود ندارد. اصولاً دلیل انقلاب در این کشورها، همین محدودیت‌هاست [ ]

6- سیستم قضایی مستقل : نامی کشورها، خاورمیانه سیستم قضایی وجود دارد. اما استقلال عمده وجود ندارد. قضات توسط دولت و حکومت تعیین می‌شوند. گاهی تعارض میان قوانین اسلامی و مدنی ایجاد می‌شود. «جمهوری این اعضاء، نیاز به اصلاحات مشخص می‌کند که باید با حرکت خود تغییرات ایجاد کنند یا خود حاکمان باید از منافع خود دست بردارند. [ ] اگر حکومت‌های مردمی کار ببندند، به نفع ایران است؛ چرا که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رابطه با مردم است نه دولت‌ها [ ]

7- سیاست اقتصادی : اغلب دولت‌های این منطقه، یعنی در اکثر دولت‌ها ارتباطی به چیزی نیستند و داخلی ندارند و بدون آن می‌توانند به حیات سیاسی خود ادامه بدهند. بین تر در کشورهایی که اقتصادشان مبتنی بر فروش نفت است وجود دارد. اثرات اقتصاد این فقط مخفف اقتصاد نیست بلکه نتیجه‌ی آن سستی‌ها می‌است و در این دولت‌ها با شکست جامعه نیست. این نقطه ضعف کشورهایی خاورمیانه است که باعث جدایی و تکلیف میان مردم و حاکمان است. اصلاحات اقتصادی لازم است : واداری بخش‌های دولتی، بخش خصوصی؛ محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد. این اصلاحات گریزناپذیر است به دلیل این که باید با اقتصاد بین المللی جراه شد.

8- عوامل داخلی : کشورها ناچار شده اند برای جلوگیری از شورش‌ها، سطح مشارکت مردم و رفاه آنان را بالا ببرند.

اصولاً باید این سنتی حکومت را متزلزل می‌کند. تسریع اصلاحات هم ممکن است باعث آشوب گردد؛ چرا که ممکن است مردم با بدین اصلاحات به دنبال اصلاحات پیش‌تر باشند. نتیجه‌ی اصلاحات، کاهش مداخله‌ی دولت و کاهش حاکمیت خواهد بود. تکلیف قهر و غن ایجاد می‌شود. مشروعیت سیاسی به خطر می‌افتد. نتیجه‌ی دیگر اثر نامطلوب فرهنگی است که می‌تواند باعث شکل‌گیری فرهنگ غربی شود. سرمایه‌داری، فرهنگ خود را به جراه می‌آورد. نتیجه‌ی دیگر ناچار آمدگی و بحران مشروعیت، پس نتایج سیاسی است.

جلسه سیم ۵۷  
۹۲/۱۲/۱۷

جامع منطقه را می توان ۳۰ دسته تقسیم کرد :  
جامع سنی ، جامع در حال گذار و جامع مدرن  
\* جامعه سنی  
طبقه حاکم  
طبقه میانی  
طبقه توده  
طبقه حاکم شامل :

\* جامعه در حال گذار  
← طبقه حاکم شامل :

← طبقه توده : وکلا

\* جامعه مدرن :  
← طبقه حاکم : رئیس دولت / احیت حاکم / نخبان / طبقه های سیاسی

سنی ← بحرین ، کویت ، امارات ، قطر  
روان خاور میانه | بروکراتیک مدرن ← لبنان ، ایران ، عراق  
کاروباریان | امام خمینی ، قذافی ، جمال عبدالناصر

- رهبران سنی : محافظ کارند ، حقوق کمی برای مردم قابل اند ، می خواهند به سمت اصلاحات و مدرنیزاسیون بروند ولی از آن می ترسند ؛ چرا که ممکن است باعث سرنگونی خودشان شود . معمولاً با اسلام خواهان و روحانیون دچار تضاد و اصطاف هستند . دین برای آن لایه دست و پاگیر است و سعی می کنند حفظ ظاهر کنند .

- رحمان چه عواملی مدن : معولاً جانش بن سکولاریسم و اسلام دین دارند ، از طرف مردم برای آزادی و سطح رفاه حیات فشار هستند .

- رحمان کارز مائیک : جذب کمی اطلاعاتی و معنوی و شخصیت افراد ، موجب محبوبیت آن کم می شود .

\* **ساختارهای اجتماعی - فرهنگی حاور میانی \***

جوامع در نگاه طمان به سه دسته ی بالا ، متوسط و پایین دسته می توان تقسیم کرد .  
جوامع بالا درصد کمی از جامعه هستند ، قدرت و ثروت انحصاری دارند ،

طبقه ی متوسط به ۳ دسته تقسیم میشوند : ادیان لار (کارمندان که کارهای اداری حکومت را انجام میدهند) ، ۲ تجارت  
۳ روحانیت  
که به خاطر ارتباط با طبقه ی حاکم دارند ، قدرتمند و ~~مؤثر~~ هستند و می توانند به طبقات  
پایه راه پیدا کنند .

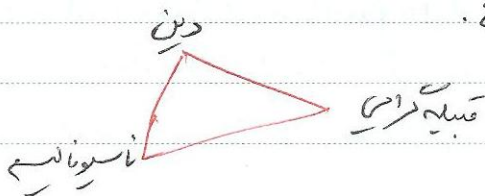
طبقه ی پایین دسته شامل دهقانان ، ارباب نشینان ، ...

← **عوامل مؤثر بر ساختار طبقاتی جوامع :**

- ۱ افزایش درآمدهای نفتی و تأثیر آن بر جوامع : افزایش قیمت می تواند باعث افزایش تکلف طبقاتی شود ،  
فاصله بین طبقات افزایش یابد ، رده های که پول به دست می آورند توزیع نمیشود .
- ۲ اصلاحات کسورها که باعث می شود طبقات جدید ایجاد شود و ساختارهای جوامع بکسور شود .
- ۳ تأثیر عوامل خارجی خصوصاً مسائل اقتصادی ، سبک زندگی غربی و غیرتکثری .
- ۴ تقویت ملی گرایی (ناسیونالیسم)

این عوامل می تواند باعث شکل گیری طبقات متوسط جدید بشود که مهارت کمی جدیدی دارند ، تحصیلات خوبی دارند ، به دنبال جایگاه خاص و حرفه ای هستند ، تلاش می کنند در کشور های در حال گذار و مدرن به مناصب حکومتی هم برسند ، اداره ای این جوامع بکسور می شود و مدیریت آن ها سخت تر شود .

**هویت ملی در حاور میانی :** محصول مدرنیته است که جنبش از آن حاصل از استعمار است . در مبارزه ی با استعمار به نوعی هویت ملی شکل می گیرد . ~~جوان~~ <sup>کسورهای حاور میانی</sup> معولاً با طبع جوان مواجه بوده اند . (۱) جوان ناسیونالیسم که به دنبال ایجاد وحدت هستند . (۲) جوان قبلیه گرایی که برعکس دنبال تفرقه افکنی هستند . (۳) عاملی مذکور نیز در ~~شکل گیری~~ <sup>شکل گیری</sup> هویت ملی مؤثر بوده است .



عوامل مؤثر در شکل گیری هویت ملی :

بعض از جریان های اسلامی که شکل گرفته اند حاصل جریان تضاد های هویتی است. در انقلاب های اخیر، مردم به این نتیجه رسیده اند که هویت اسلامی می تواند مشکلات آن ها را رفع کند.

**ریشه های بحران در خاور میانه:**

بعضی ناشی از عوامل داخلی است:

- عدم توسعه ی مفهوم دولت - ملت.  
له عدم شکل گیری کامل دولت - ملت در کشورهای منطقه؛ همچنین رایش های قبلیه ای حاکم است. فرد محوری و فقدان اختیاری.

- تقدم منافع فردی بر منافع ملی؛ اینست مثل توفیر نه. منافع افراد مدنظر قرار می گیرد به جای منافع ملت.  
- ساختار نامتوازن سیاسی - اقتصادی کشورها؛ اقتصاد تک محصولی، توسعه ی شهر نشین، مصرف گرایی بالا، تولید کم، واردات بالا، بحران شروعی، جهل، کارآمدی، حکمران داخلی و خارجی محدود است.  
- دولت ها رقیب اقتصادی در داخل کشور ندارند؛ مجلس حضور ضعیف است. همی اختیارات در کتیرن دولت است و مجلس حضور ضعیف وابسته به حکومت است.

- دولت های رایشی به سمت نظامی گریز رفته اند؛ چون احساس خطر جدی می کنند از مردم خودشان و از همسایگان.  
- تأثیر پذیری از بیگانگان؛ مداخلات خارج زیاد است.  
- تضاد اسلامی، غربی و دنیسویالیسم بسیار جدی است.  
- قومیت های مختلف؛ جمعیت کشورها معمولاً بیکدیگر نمی شناسند.

جلسه هفتم ۹۲، ۱۲، ۲۴

**ریشه های منطقه ای بحران در خاور میانه:**

اختلافات سرزمینی، وقوع جنبش های متفرد، ...

هویت های متفاوت کشورهای منطقه.

اتوأم در خطوط مرزی کشورها؛ کردها در عراق، ایران، ترکیه.

میل گرایی و این عربیسم

بنیادگرایی و تروریسم. سنترال، کفری، ل، جریان های افراطی فرقه ها، مداخلت بیگانگان.

**همگرایی در خاور میانه**

به لحاظ اختیاری در بسیاری موارد سازمان شکل گرفته ولی تأثیرگذاری در مسائل بین المللی نداشته است.  
امریکایی عثمانی یک نظام دونی و ساختاری داشته. اما بعد از فروپاشی و تقسیم شدن به کشورهای مختلف، این نظام از

بین رفت.

نمونه ای تاریخ اتحادهای شکل گرفته شده در خاور میانه پس از جنگ جهانی دوم:

← اتحادیه ی عرب: تأسیس ۱۹۴۵؛ کشورهای تونس، الجزایر، بحرین، کومور، جیبوتی، عمان، اردن، کویت، عمان، فلسطین، یمن، ...

← میان بغداد و سنتر: اتلیس، ایران، عراق، عربستان،

← جمهوری متحد عربی: ۱۹۶۱ - ۱۹۵۸ (اتحاد مصر و سوریه)

← فدراسیون جمهوری های عرب: ۱۹۷۳ - ۱۹۷۱ (مصر، سوریه و ...)

← سازمان همکاری کشورهای اسلامی است **کثیرالاعضای اسلامی**: مهم ترین اتحاد خاور میانه است.

← شورای همکاری خلیج فارس ۱۹۸۱

← سازمان اگو ۱۹۸۵

← اتحادیه ی عرب عربی

فاکار آمدی این اتحادها به چند دلیل بوده است:

نقوذ خارجی / تنش های بین کشورها / فقدان جامعه ی مدنی / ماهیت اقتصاد غیر مملکتی کشورها / فرهنگ سیاسی بی مدرک.

کشور های خاور میانه به جایی همکاری به دنبال موازنه ی قوا بوده اند. مهم ترین عامل آن فرهنگ سیاسی است. اکثری دینش بین از اکثری دین است.

روندهای کلان خاور میانه از جنگ جهانی دوم تا ۱۹۹۰

۱۹۴۸ - ۹۰

۱۹۷۴ - ۷۶ (شوک نفتی)

\* ۱۹۴۵ - ۴۸

توقه حضور ناتو از طریق اتصال به سینور.  
بیان بغداد برای همین اتصال شکل گرفت.  
خروج علویان باعث نزدیک شدن ایران به آمریکا شد.  
اهمیت انرژی و نفت، ثانوی است.

اهمیت خاور میانه از جهت حمایت از اسرائیل.  
دغدغه ی آن ها دولت های متحد عربی بود. مسوره از باب مقابله با غرب به حمایت از اعراب پرداخت.  
واکنش آمریکا به ارتباط با سوریه و تلاش برای نفوذ در کشورها.  
معااهده در عمان دادند کشورها.

منجم نیست؛ ورود غیر مستقیم  
تلاش برای مدیریت رقبای نگران  
از نفوذ کمونیسم در ایران و ترکیه؛  
طرح دکترین ترورین (هدف جلوگیری از کمونیسم است) برگردن خلا  
خروج رقبای (اتلیس و فرانسه)؛  
اهمیت نفت به عنوان عامل ثانوی.  
حفظ وضع موجود؛ حمایت از کشورهای

آمریکا

حمایت اسرائیل  
کاهش نفوذ  
جلوگیری از کمونیسم

منافع آمریکا بعد از جنگ سرد (فاز چهارم)

تفحص امنیتی انرژی / حفظ ثبات در خاورمیانه / حمایت از متحدان آمریکا در منطقه / حمایت از برنج  
صهیونیستی / نابودی و مهار تروریسم / انجام اصلاحات در کشورهای ظهوریافته / حل مسأله ی اعراب و اسرائیل /  
جلوگیری از اسلام سیاسی / جلوگیری از شکل گیری دشمنی علیه آمریکا

شوروی: جهت گیری اصلی، ورود غیر مستقیم و

فاز اول: تلاش برای نفوذ در ایران، ترکیه، -

حمایت از اعراب گونیم از جمله عرب - توده .

فاز دوم

تلاش برای استفاده از شکست آمریکا به خصوص جنگ فلسطین . لذا حمایت نظامی از کشورهای عربی  
کردند تا با آمریکا ضرب برینند . هم چنین کمک اقتصادی مستقیم کردند .  
برنامه های فزاینده ای داشته اند ، برنامه های آموزشی ، بورس های تحصیلی ،  
حمایت از جنبش عدم تعهد .

کسب پایگاه نظامی در کشورهای خاورمیانه خصوصاً در اسکندریه مصر که ۲۰ هزار تن مستقر شدند .

فاز سوم

حمایت از جنبش های ملی گرایانه ی خاورمیانه  
توسعه حمایت های نظامی و مداخلات

جمله ای افغانان که باعث کاهش وجهه ی شوروی شد .  
تزدیک شدن به انقلابیون ایران پس از انقلاب اسلامی .

تزدیک شدن به اسرائیل و تلاش برای بهبود روابط اعراب و اسرائیل  
برقراری روابط تجاری با کشورهای خاورمیانه  
فروشنده ی تسلیحات

فاز چهارم

تفرائی جدیدی از اسلام گرایی رادیکال  
اشعه ای حقه ای

جست و جوی: حمایت از تفرائی مهمی است . ایجاد بحران کنترل شده در مسئله ی نفت  
مناجیح گیری در مسائل اعراب و اسرائیل  
و همزیستی از درگیری حاد بحران های خاورمیانه .

جلسه ی هشتم ، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۹۳

پرتیلتا و فرانسه

تغییر اقتصادی و فرهنگی رویه افول گذاشت.

فاز اول

حمایت زیاد از اسرائیل و شکن آن.

چشم جمع به منابع نفت و حفظ شرکت های نفتی در منطقه.

مهم ترین دغدغه های کشورهای انرژی بود. این دو کشور دست به یک ماجراجویی زدند. جمله کانال سوئز و عدم موفقیت در جمله. (توجه به انرژی)

فاز دوم

حمایت از اسرائیل به یک منفعت ثانوی تبدیل شد.

فروش سلاح به کشورهای منطقه. آمریکا هم نتوانست رفتار آن ها را کنترل کند.

استقلال بین تر از آمریکا پیدا کردند در فروش سلاح به کشورهای منطقه.

افزایش وابستگی به نفت منطقه.

فاز سوم

استاد از اسرائیل

اهمیت انرژی و مداوم اهمیت آن.

ادامه فروش تسلیحاتی

فاز چهارم

حمایت از اسرائیل و استاد از آن.

دنبال کردن حل مسأله اسرائیلی فلسطین

مقابله با کودتای

کشورهای حوزه می مدیترانه در خاور میانه. اهمیت ویژه برای این دو کشور پیدا کند به علت حجم هواری.

چین و ژاپن

فاز اول: چین تابع سیاست های شوروی و ژاپن تابع سیاست های آمریکاست.

فاز دوم

چین به سمت حمایت از جنبش عدم تعهد و جنبش های آزادی طلبان. ژاپن خریدار عمده نفت خاور میانه است و تلاش برای

فاز سوم

رقابت چین و ژاپن از این می یابند. مهم ترین بحث ژاپن

سیاست خارجی رژیم صهیونیستی

وسعت: ۷۷۰,۲۰۰ (۱۵۴ این کشور از لحاظ وسعت) / ۲۷۲ km ساحل دارد / ۷۵٪



یہودی حسد کہ ۷۳٪ متولد اسرائیل و بقیہ متولد امریکا و آفریقا و آسٹریلیا ہے۔  
 جمعیت حدود ۸ ملین نفرو جمعیت کل آویو : ۳۲ ملین نفرو حینا : ۱۷۵۵ / ۱۷۵۵ / ۱۷۵۵  
 بیت المقدس : ۷۰۰ هزار نفرو / ۲۴۱ هزار نفرو شہرک نشین در کرانہ یافضری ؛ ۱۹۶ هزار نفرو  
 بیت المقدس شرقی ؛ - / بیکاری ۱۲٪ / GDP : ۲۷۴ بلیارڈ دلار / سوانہ :  
 ۱۲٪ / زیر خط فقر / صادرات : ہائی ٹیک ، نرم افزار ، سخت افزار ، کمپیوٹر و موبائل ، ٹیکنالوجی کٹ وریکٹ /  
 ۱۵ ملین نفرو آمادہ باش نیروی نظامی دارد / سبب ترین واردات سلاح ہے۔

وژگی های دولت اسرائیل از زبان خود آن کی :

۱. ملت یہودی کوچک (مستقل بودن ہے)

۱۰. بازار دارندہ نظامی

۲. تنہا دولت یہودی

۱۱. اہتمام از اصول سیاست خارجی اسرائیل ہے (اسرائیلی)

۳. بازار بزرگ مہم خاور میہ

۱۳. امنیت محوری

۴. روابط با امریکا

۱۴. محیط امنیتی آکسید بزرگ

۵. محصور از طریق همسایگان

۱۴. یک کشور مصنوعی ہے۔

۶. عدم وابستگی بہ هیچ ائتلاف و اتحاد منطقہ ای

۷. ایدئولوژی خاص و متمایز از همسایگان

۸. دوگرا سبب ترین کشور خاور میہ

۹. تابعیت دادن بہ ہر یہودی در ہر جادنیہ ہے

سیاست خارجی

بعض معتقدند پارادایم واقع گرایی حاکم ہے۔ باری با حاصل جمع صرفہ جہم دہن اند،

بعض معتقدند سیاست خارجی اسرائیل مانند سایر کشور ہے۔ اسرائیل ہم مثل داخلی و خارجی دارد کہ بر سیاست خارجی آن اثرگذار ہے۔ چہنہ اسرائیل در مذاکرات سازش شرکت نہ کند۔

بعض معتقدند ناشر از ایدئولوژی ہے۔ نہ گویند رفتار اسرائیل را باید بر اسلحہ ایدئولوژی و دین یہود سنجانے۔

عوامل مؤثر در شکل گیری سیاست خارجی اسرائیل :

- روابط خاص امریکا ، اسرائیل ، اسرائیل ، منافع خود را بہ منافع امریکا تہ زده ہے۔ لیک سببی ہے ، معنوی ،

مادی از امریکا مہم ترند۔ لاین خاص کسرتہ نظر AIPAC در امریکا ؛ چون منافع مشترک دارند در منطقہ۔

- تاثیر در سہ سطح : ۱. اسرائیل کہ مربوط بہ فلسطین ہے۔ ۲. روابط اسرائیل با مصر ، اردن و متحد ہم بیان خود۔

۳. محیط دورر : مثلاً روابط اسرائیل و ایران ، اسرائیل و عربستان ، اسرائیل و عراق ، اسرائیل و سودان ۔

- ایجاد امنیت و رونق و بازدارندگی اسرائیل: تجربه‌ی جنگ‌های گذشته با اعراب موجب اتخاذ چنین سیاستی شده است. تولد اسرائیل با صفت همراه بوده است. لذا تلاش برای ایجاد ارتش قدرتمند کرده است.  
- سیاست ابرام و عدم شفافیت.

\* اختلاف لاوشکاف ای اجماعی نیز در اسرائیل وجود داشته است: مثلاً این که می‌تواند رونق اسرائیل در کنار کشور خاورمیانه است، یا بارادکس دارد یا غضب زمین‌های ساکنین فلسطین، یا تضاد‌های بین شهروندان درمیک و دریم ۲ وجود دارد. یا وجود فرقه‌های مخالف با دولت اسرائیل. عدم آرامش در ترس همیشه ابداع اسرائیل از حملات موشک و انفجار. عدم یکپارچگی هویتی.

اهداف و اصول سیاست خارجی:

- ۱- حفظ و تأمین بقا و امنیت این رژیم.
- ۲- ایجاد یک کشور یهودی و تعیین و تثبیت ریشه‌های آن.
- ۳- تلاش برای برسیه گناختن موجودیت اسرائیل و مشروعیت آن.
- ۴- کسب حزمونی منطقه‌ای در خاورمیانه و سرکوب رژیم‌های بیس رو.
- ۵- جلوگیری از وحدت کشورهای عربی، چراکه موازنه را برهم می‌زند.
- ۶- جلب حمایت قدرت‌های بزرگ.
- ۷- ایجاد تعادل استراتژیک بین اسرائیل و کشورهای خاورمیانه.

برای ایجاد تعادل، سیاست‌های زیر را اتخاذ نموده است:

- ۱) خود انکاپی (۲) هم‌چنان بزرگ (۳) ایجاد مرزهای امن (از طریق راضی کردن همسایگان خود)
- ۴) ایجاد بازدارندگی مطلوب (۵) برتری نظامی-اطلاعاتی (۶) تنش زدایی، توافق خنثی و صداقت با اعراب
- ۷) حضور در اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (مثل اسرائیل و چند، اسرائیل و ترکیه - )
- ۸) تشریح تنوع اقتصادی با سرمایه‌گذاری در - - - - - (۹) برتری تکنولوژیک در صنایع ارتباطی، هوشمند، مادر، دارو - - - - -
- ۱۰) توسعه طلبی منطقه‌ای.

رونق در مقابل اعراب:

۱۱) رونق و صلح و سازش با اعراب (تلاش برای همکاری با اعراب): بهر آنست تعادل کنیم.

۱۲) رونق و تقابل با اعراب: ما باید اعراب را تسلیم خود کنیم و بر آن‌ها غلبه کنیم. (رونق غالب)

۱۳) این رونق مبتنی بر ۳ اصل است: اعراب دشمن دائمی ما هستند؛ ما گزینه‌ی دیگری بجز دشمنی نداریم. درم ضعف استراتژیک اسرائیل. سوم عدم تقوی بر این کشورها از طریق نظامی.

جلسه ۱۴، ۱۳، ۹۳

« بیداری اسلامی »

از این مدل تحلیل در خصوص عوامل <sup>اصلی</sup> بیداری اسلامی :

۱. عوامل سیاسی : ا. دیکتاتوری و فقدان مشارکت ؛ و تزئین اکثر کشورهاست که در گذشته ذکر شده است ؛ حکومت بسته ، فقدان مشارکت با مشارکت صوری ، انتخابات محدود ، عدم فرائد بودن مشارکت ، توسل به زور و سرکوب در برابر فتنه ، تک حزبی بودن ، محدودیت آزادی های فردی ، عدم مشارکت منتقدان ، ... اصلاحاتی که بعضاً صورت گرفته ، جزئی بوده است .

۲. جامعه‌ی ناآهن : روندهای سیاسی به طور کامل ایجاد نشده ؛ قانون اساسی به طور نهادینه تصویب نشده ؛ با یک تنش کوچک ، همی گروه‌ها سهم خواهی می کنند ، عدم تعامل با اقلیت ها

۳. وابستگی به غرب : چهره‌ی غالب کشورهاست . باعث نا رضایت مردم است ؛ چرا که هویت مردم نادیده گرفته می شود .

۴. عوامل اقتصادی : استعمار ، حضور سوسیالیسم ، دولت های رانتی ، بی کاری بالا ، بی عدالتی اجتماعی ، ...  
۵. مردم این کشور از وضعیت اقتصادی خود نا ارض بوده اند . شکاف بین فقر و غنی ، عدم سرمایه گذاری های خارجی ، ...  
فقدان عدالت اجتماعی : نادیده گرفتن شأن و کرامت مردم .

۶. عوامل فرهنگی : تهاجم فرهنگی و غریزه‌ی مردم . الگوی مصرف ، پوشش ، مسائل جنسی ، ... مردم تعبیر کرده است . و محدودیت های اسلامگرای مثل تونس که نماز در مساجد محدود و ممنوع بوده است . این مسائل خلاص هویت ایجاد می کرد .

۷. نتیجه‌ی همی عوامل بالا ، سرخوردگی و بحران هویتی مردم بود .

\* شبکه های اجتماعی و رسانه های نو نیز به عنوان یکی از ارکان در خود آگاهی مردم موثر بوده است ؛ اما نمی توان آن را جزو عوامل اصلی دانست ؛ نقش مستقل نداشته اند . می توان به عنوان یک کاتالیزور به حساب آورد . زیرا بسیاری از این شبکه ها بعد از مدتی فیلتر شدند .

\* انقلاب های جدید در منطقه ، بی سر ( بی رهبر ) بوده است . عده ای می گویند می توان به جایی رهبر ، چنین شبکه های اجتماعی را وارد داد .

\* در شبکه های اجتماعی هم چیز مخاف شده ؛ محتوا توسط مردم ایجاد می شود ؛ هزینه ای کمی دارد ؛ باعث ایجاد هم افزایی و بسیج عوام می شود ؛ انتشار صحیحی انقلاب در توییچ و حرکت مردم موثر است ؛ انتشار نظر مردم و کارشناسان و بخش موسیقی های انقلابی تأثیر داشته است .

۸. برای خروج از سرخوردگی و بحران هویتی ، دو راه داشتند :

۱- مسئول کردن مردم به تفرجات ۲- حرکت به سمت اسلام (آمدن در انتخابات پس از انقلاب بانسان  
 در دهه که احزاب اسلامگرا رشد زیادی داشته اند.)  
 \* سیاست جمهوری اسلامی، گسترش دموکراسی در کشور باسی خاور میانه است؛ زیرا حکومت های مردمی سر  
 کار ~~گرفته~~ می آیند.  
 \* این که انقلاب های منطقه بروز شوند، دلیل بر این نیست که بلوک اسلامی نبوده است. عدم مراقبت و مدیریت غربی  
 در احزاب انقلاب که مؤثر بوده است.

جلسه ی دهم . ۶۳، ۲، ۷

ریشه های جامعه شناسی بیداری اسلامی

- ۱- افزایش آگاهی های عمومی؛ از طریق شبکه های اجتماعی، افزایش سطح سواد، ایجاد نهاد های علمی، اینترنت.
- ۲- بحران ثبات؛ این کشورها از طریق کاربرد زور و جبر مردم را به بیعت در آورده بودند و برخی کشورها از طریق تزریق پول  
 و بهبود اقتصادی و ایجاد پارادوکس در آزادی مردم.
- ۳- بحران در سرمایه های اجتماعی؛ تغییر در فقه اهل سنت؛ آن ها پیام علیه حاکم را جایز نمی دانستند. اندیشه های  
 آزادی محور و عدالت محور جایگزین اندیشه های استبداد محور گردید.
- ۴- زوال آبدار حکام؛ بحران کارآمدی و کسور داری شکل گرفته. شکاف بین مردم شکل گرفته؛ شکاف منضم  
 ایجاد شد. نظام نمی توانست این شکاف را در مان کند. دولت مشروعیت خود را از دست داد. نیروی سرکوب دولت  
 (قوة ی قهریه) نیز از کار افتاد. لذا اصلاحات صورت گرفته؛ در بعضی کشورها اصلاحات مسالمت آمیز صورت گرفته؛  
 مثل تونس و یمن که فقط ویرترین عوض شد، ساختار هم چنان حاکم است. در بعضی کشورها انقلاب شد. در بعضی  
 کشورها هم مدیریت بیسی کردند مثل بحرین.

کشورها

تونس: مبدأ بیداری اسلامی است.

- \* مراحل شکل گیری انقلاب:
- ۱- ناراضیاتی مردم؛ معمولاً مردم حاکمان را عامل ناراضی خود می دانند.
  - ۲- براندازی کلی؛ اقدامات جهت بسیج مردم.
  - ۳- چهارچوب سازی؛ چهارچوب کلان، ایندولوژیک و ساختاری باید مشخص شود.
  - ۴- نظام سازی؛ ایجاد نهادها و نظام جدید بر اساس ایندولوژی ها.
- تونس: رهبر استقلال: جیب بورقیه؛ ۱۹۵۶ از فرانسه مستقل شد. بورقیه سکولار بود علی رغم این که  
 مردم اسلام بودند. از جمله اقدامات او: حذف دستورات شرعی مربوط به خانواده، ممنوعیت حجاب، مساجد و

و موقوفات را ملی کرد ، به جریمه نسبت به دین ، اولین هجر اسلام خواهان برقرار کرد ارتباط با اسرائیل ، بن علی .  
 نخست وزیر او بود . که علیه بورژوازی کودتا کرد . ولی در ترویج حکومت تغییراتی ایجاد نکرد . بن علی ، زبان عربی را تحقیر می کند  
 و به انگلیسی و فرانسوی تسلیم می کند ... عدم وجود رهبر مشخص ، از مشکلات انقلاب تونس بود ، وجود اختلافات  
 میان جماعت اسلام فوآه از زمره مشکلات است . برای ایجاد وحدت ، اقدامات انجام دادند مثل تأسیس دانشگاه  
 «الزیتونه» . رهبر این حرکت «راشد الغنوشی» است که تعدد وی آن در داری علم و کارزما نبود .  
 خود سوزی جوان سبزی فردوسی ، ~~بر اثر~~ بر اثر محدودیت حکومت و تبلیغ آن باعث شکل گیری انقلاب شد و مخالفان  
 حکومت از آن استفاده کردند . راجعاً به مردم بر اثر تکلیف ای اقتصادی آغاز شد . در این راجعاً به ها علیه  
 اسرائیل شعار داده شد ، از بحرین ها حمایت کردند ، برای اولین بار روز قدس برپا شد ، اعتراض به ممنوعیت حجاب  
 کردند ، بن علی اصلاحاتی انجام داد ولی تأثیر نکرد مسئولان استعفا دادند و بن علی هم فرار کرد .  
 آسیب های انقلاب تونس : نبود رهبر مناسب / کنترل و اثرگذاری خارجی / اختلاف افکنی مذهبی /  
 سفر مقامات ترکمن به تونس برای تبلیغ ساختار حکومت خود .

راشد الغنوشی اعلام کرد به دنبال ایجاد حکومتی مانند ایران نیست ،  
 در انتخابات پارلمانی تونس هم حزب «النهضة» که طرفی اسلامی است در برابر لیبرال ها موقوف شد .  
 جریان های موجود در تونس : اسلامگرا ، النهضة ، سلفی ، التحریر ، التبلیغ ، التمدید ، گروه های شیعی  
 / لیبرال : کمونیست ، اتحادیه های کل کار ، اتحادیه های وحدت مردم

حزب النهضة امتیازات زیادی را به مخالفان داد . مهم ترین امتیاز این بود که از فرار دادن شریعت اسلامی در قانون  
 اساسی کوتاهی کردند . بسیاری از قوانین مثل ارتش اصلاح نشد . بسیاری از فعالیت ها بر اساس تراثت لیبرالی  
 انجام گرفته .

« مصر : شروع انقلاب ، از جمع مقابل سفارت تونس نبود . مردم به حمایت از انقلابیون تونس تجعب کرده بودند .  
 جوانان مصری دست به خود سوزی زد . حکومت مبارک دست به سرکوب زد . اخوان المسلمین مردم را به نماز جمع  
 فراخواند و پس از نماز به سرنگونی حکومت مبارک تأکید شد . ارتش ، خواست مردم را مانع از آن دانست . مبارک  
 اعلام کرد به درخواست مردم عمل خواهد کرد . پس از آن ؛ شدت مردم را سرکوب کرد . سپس حزب بروی کار ، برکنار  
 شد . پس از کولت مبارک کناره رفت .

درخواست مردم از ارتش : ۱. برکناری خاندان حاکم تا ۱۰ سال . ۲. جدول زمانی انتقال قدرت شکل گیرد . ۳. انتقال قدرت  
 از نظامی به غیر نظامی .  
 شکلهای اجتماعی اخوان مبارک گسترده بوده و وحدت ، خدمات اجتماعی مانند بهداشت ، آموزش ، مذهبی و ... همین

الآن هم اخوان طرفداران زیادی دارد. (۶۷٪ مردم)

عوامل مؤثر در بروز انقلاب - مصر:

۱. بحران هویتی بعد از روابط با اسرائیل (۲۲ تریغ نفر) - ۲. مشکلات اقتصادی و نقش دولتی ها و ارتش در اقتصاد  
 ۳. بدحکمرانی مومنی ۴. شکاف تکنولوژیک ۵. ناتوانی حل مشکلات اقتصادی ۶. نرخ بیکاری بالا ۷. بی توجهی به  
 اختیارات سیاسی و مدنی ۸. بی توجهی به خواست مردم ۹. اجاره ندادن به اجزاب منشعب از حزب حاکم ۱۰. ۸۵٪  
 مردم، خواستار اعمال اسلام در حکومت هستند. بعد از انقلاب هم بیشترین کرسی ها به اسلامگرایان رسید.  
 بازماندهان مصری (گروه های مؤثر و نافوذ): \* نظامی ها: مهم ترین طبقه مصر هستند؛ به خاطر نقش نظامی ها در  
 جنگ ها به خصوص با اسرائیل. همه رؤسای مصر از ۶۰ سال پیش نظامی بودند. در انقلاب مصر، وجهه مردم پیدا  
 کرد؛ زیرا اعلام به طرفش کردند. دلایل عدم دخالت نظامیان در انقلاب عبارتند از: - رغبتی اقتصادی و حفظ منافع  
 اقتصادی / اقدامات مبارک، دلایل برای حمایت از او با هم گذاشته بود. / از عواقب سرکوب مردم می ترسیدند / خواستار  
 اجتماعی ارتش که از بدنه مردم بزرگتری کرده بود. \* اسلامگرایان: سه دسته اند: جریانات سنتی اسلامگرای  
 محافظه کار که توصیه کرد اقدامات دولت است (الازهر) دسته دوم جریان سلفی رادیکال که به دنبال تغییر وضع  
 موجود بودند. دسته سوم اخوان المسلمین. به طبقات لیبرال، روشنفکران و غربیها که طرفدار زیادی ندارند  
 و اقلیت های مسیحی و قبطی مصر را جذب می کنند (۱۰٪)

اصول عقاید اخوان المسلمین، جنبش است سلفی، شیوه ای بنیادگرا، نهادی اسلامی، گروهی است پهلوان  
 اجتماعی، علمی، سرگرم اقتصادی و انزوی است اجتماعی.  
 ۱. از جهل های مذهبی و فرقه ای اجتناب می کنند.

- ۲. اجرائی سیاست های کام به کام، تبلیغ، تبیین و تفسیر، عمل و نتیجه گیری
- ۳. سیاست فراگرمی
- ۴. برپایی حکومت اسلامی برای اجرائی شریعت
- ۵. تأکید بر وحدت اسلامی در برابر متجاوزان و کفار
- ۶. توجه به آرمان مللین

اخوان گراستات مختلف دارد. از تراس به غرب تا اسلام. از حکمرانی با مبارک تا حکمرانی با گروه های سلفی  
 مشکل علل تراس اخوان المسلمین  
 آن هم موجب محبوبیت اخوان المسلمین شده بود، و در کرد ضد دولتی آن بود.  
 از مشکلات اخوان، حکمرانی الازهر با حکومت بود. اخوان همیشه به دولتی شدن الازهر اعتراض داشته.

در دوره‌ی مرسى انتظار همكارى الازهرو اخوان من ريت ولى فرصت پيدا نكردند.

عملکرد اخوان بعد از انقلاب مصر: موارا با ارتش و برقرارى روابط خوب با خارجى ها خصوصاً آمريكايى ها. اختلاف با سار گروه هاى مصر براى اداره‌ى جامعه. تعامل با غرب و اسرائيل. حفظ سفر اسرائيل عليه تخم اعتراض مردم. عدم واكنش به كج ديويد.

**جلسه‌ى يازدهم. ۹۳/۲/۱۳**

مرسى با راي شگسته روى كار آمد با اختلاف ۱ درصد) و شروع كرد به دولت ملت سارى و نوشن قانون اساسى جديد. مشاركت در انتخابات قانون اساسى بسیار پایین بود (۲۲٪) از اين تعداد ۶۳٪ موافق تصويب آن بودند. اضراب مخالف به شدت آن را تحريم كردند.

**علل مشاركت پايين در تصويب قانون اساسى جديد مصر**

تقليدات مخالفين: اخوان المسلمين نتوانست مردم را متقاعد كند؛ حاكم كردن شرع در قانون اساسى باعث شد عدوى زيادى از مردم و مسلمانان شكنجه نگذشت.

**(و آسيب شناسى شگست مرسى و اخوان المسلمين)**

در حوزه‌ى سياست داخلى: اختلاف و عدم اجماع ميان تكتگان و اضراب مصر و صحن ميان مرين اخوان المسلمين.

۱. فقدان تجربه‌ى دموكراتيك و حكومتمدارى. الكومى حكومتمدارى آن ها ناقص بود و مردم را قانع نكرد.

۲. فقدان يك برنامه‌ى مشخص براى ايجاد ساختار اى جديد و حل مشكلات مردم. شعار رفاه، آزادى و كرامت انسانى محقق نشد.

۳. مرسى نتوانست به يك اجماع برسد. با يك سري افراطى كرى مانع به نتيجه رسيدن فعاليت او شد. [در روزهاى

پاينى ۶۷٪ مردم كارآمدى حكومت مرسى را تائيد مى كردند؛ روزهاى اول ۷۸٪ مردم]

به جاي شايسته سالارى، فقط به اخوانى ها بها داد.

۴. مرسى نتوانست مردم را در حايه از خودش قانع كند. تعداد مخالفين او بسیار زياد شدند.

در حوزه‌ى اقتصاد: شاخص اى اقتصادى مصر بهبود پيدا نكرد. مرسى تلاش كرد با بلك خارجى اقتصاد را

بهبود بخشد ولى موفق نشد.

در حوزه‌ى امنيتى: مرسى نتوانست روابط سيمتاك و تعامل مناسبى با تظا ميان برقرار كند و از توان آن ها

براى تضمين امنيت استفاده كند.

در موده‌ى سياست خارجى: مرسى تلاش كرد با نزديكى به كشور هاى منطقه اى و حفظ روابط با آمريكا منافع

مصر را تامين كند، او متعوض به همان كج ديويد نشد و همچنين مسئله اعتراض مردم را دري دانست. به جاي

تجویز داخلی ، به تاجم خارجی دست زد با فاصله گرفتن از ایران و سوریه . نامه نوشتن به اسرائیل ، همکاری های اطلاعاتی با اسرائیل ، بستن مرزهای رفح .

**اقدامات مثبت مریسی :** تلاش برای درک حساسیت های ارتش و همکاری با ارتش .  
تلاش برای به پای کار آوردن مخالفان .  
تلاش برای وام گرفتن .

**اقدامات منفی مریسی :**

تلاش برای افزایش اختیارات رئیس جمهور ؛ مثل مصوبت قضایه رئیس جمهور .  
دخاله در قوه قضائیه و ازین رهن تنگ قوا . کاهش قدرت قضات .

**دین از کودتا :** نوشتن قانون اساسی جدید ؛ برگزینی افوان المسلمین از قدرت . افزایش قدرت نظامیان .  
سورای عالی نیروهای مسلح باید حکم رئیس جمهور را ناسد کند . ارتش حق محاکمه غیر نظامیان را در دادگاه نظامی دارد . دستگاه نظامی صلاحیت انحصاری محاکمه نظامیان را دارد . سورای عالی نظامی حق تعیین رئیس سورای عالی قضایی را دارد . قوانین مربوط به پلیس و نظم عمومی توسط سورای عالی نظامی به تصویب می رسد . احزاب حق فعالیت بر اساس مذهب ندارند . اصول مذهبی از مبانی بودن در قانون کنار گذاشته شد .  
پروآئیدی مصر تک آئیدی بنیاد است .

**رویکرد خارجی به مصر پس از کودتا :** آمریکا تعلیل می کند در تعامل با ارتش و از فروش سلاحهای خودداری می کند .  
روسیه تعامل مناسب با ارتش مصر دارد با اهداف اقتصادی .

اسرائیل از دولت جدید حمایت می کند .  
دولت جدید

جمهوری اسلامی از لحاظ ایدئولوژیک مخالف تغییر (کودتا) است ولی از لحاظ دموکراتیک موافق است .  
**آسیب شناسی انقلاب مصر :**

- مدیریت و مداخله ای آمریکا از طریق ارتش .

- تغییر جهت در مصر موجب شد روابط مصر و اسرائیل به سابق برگردد .

- ۷۰٪ مصری ها مخالف دریافت کمک از آمریکا هستند . آمریکا به علت کودتا این کمک را تعلیق کرده است .

مخالف مردم مصر با دریافت کمک نشان می دهد مردم موافق حکومت روی کار نیستند .

- کسرتن سلف گیری .

- فرودگرایان و اختلافات مذهبی و احزاب داخلی مصر .



یابی: یک مدل جدید در سبازیه اسلامی بود؛ به لحاظ نوع مدیریتِ فضا (عایه خارجی)

حفظ زمین کشور پهنایور دنیاست. منابع نفتِ عظیم، اقتصادیک محصولی (نفت). از ۱۹۶۱ قذافی حاکم بود تا ۲۰۱۲. ستقره ی ایالتا بوده است.

عوامل مؤثر بر شکل گیری پیوستاری اسلامی:

عوامل عمومی: ۱. فقدان نظام دموکراتیک و نظامی (نظام فوق العاده بسته)

۲. مشکلات اقتصادی و فقر مردم؛

۳. افزایش آگاهی عمومی در اثر پیشرفت تکنولوژیک؛

۴. ناکارآمدی حکومت و ضعف اجراء؛

۵. جراحی با غلب و حرکت دانشمندان غربت و کرامت مردم؛

۶. بی توجهی به اسلام قرآنی مردم.

عوامل اختصاصی: ۱. تضعیف ارزش ملی بعد از کودتای نظامیان در سال ۱۹۶۹ و ایجاد ارتش مزدور توسط قذافی و در نتیجه سرخوردگی نظامیان.

۲. مهاجرین خارجی: حدود ۲ میلیون مهاجر خارجی وجود دارد. این باعث تضعیف ناسیونالیسم می شود. + قبایله زانی

۳. برداشت غرامت به بیگانگان مثل ۲۷ میلیارد دلار به انگلستان.

۴. ضعف سبکری خواسته های مردم و شکل گیری شکاف های گسترده.

۵. طایفه خارجی که از انقلابیون.

۶. طرد خاص قذافی (حدود ۳۰۰۰ نفر) بود. اختلاف بین افراد این طرد از عوامل بود.

۷. زانته های نفی خاندان نزدیک به قذافی.

روند کل انقلاب:

مخالفت های عمومی تحت تأثیر انقلاب مصر و تونس ← جلدی نظامی قذافی به مردم و معترضان ←

سازماندهی مخالفان و جذب قبائل مخالف ← تصرف بنغازی توسط مخالفین و سدیون ۲ با تحت انقلاب

← حایه ناتوا از انقلابیون (نفس جدید ایالتا و فرانسه + لگ زیاد قطر و عربستان) آفرین حداثت را

به اروپا سرد و تنها کمک مالی کرد.

سرعت تحولات بالا و عدم شناخت اروپایی از محیط مایه سردی آن لا ستر. هم چنین اروپایی های وسوسه

از این که قذافی علیه آن ها اقدام کند. لذا با احتیاط عمل کردند.

← گشته شدن قذافی و دستگیری سبف اسلام سر قذافی.

اختلافات بین مخالفین تداومی هم چنان وجود دارد. حتی قبایل طرفدار قدانم دست به مخالفت می زنند.  
 نمر توان نام انقلاب را بروی این جوان در لیبی گذاشت. به دلیل حضور خاجان در تحولات لیبی.  
 اسلام راها بعد از انقلاب در اقلیت قرار گرفتند و لیبالی ها حاکم شدند. ساختار قبایلی و اختلافات  
 میان آن ها نیز صورت گرفت و از جمله نقاط ضعف انقلاب لیبی به شمار می رود. سلفی ها نیز که در زمان انقلاب وارد  
 لیبی شدند نیز از آسیب های انقلاب لیبی است.

آکسیژن که  
انقلاب  
لیبی

جلسه ی سیزدهم . ۹۲/۲/۲۲

تأثیر بیداری اسلامی بر اسرائیل :  
 تأثیر بر مسائل سیاسی  
 - فروپاشی نظام های خودکامه

- شکل گیری دموکراسی در منطقه ، موجب تقویت لبنان اسلامی خواهد شد .
- وحدت کشورهای اسلامی ، نگرانی امنیتی برای اسرائیل ایجاد می کند .
- باعث کاهش نفوذ ایالات متحده در منطقه شد و کاهش نفوذ آمریکا ، کاهش نفوذ اسرائیل را در پی دارد .
- شکل گیری کشورهای مستقل فلسطین . بیداری اسلامی ، محرک کار در فلسطین را برای ایجاد دولت مستقل شکل داد .
- افزایش نقش جمهوری اسلامی به صورت مستقیم و غیر مستقیم که تقویت علیه اسرائیل را می تواند ایجاد کند .
- توسن از افکار عمومی جهان عرب ضد صهیونیسم .
- تقویت لبنان مقاومت و تضعیف لبنان سازش .
- این نتیجه ی این مسائل ، انزوای اسرائیل است در بعد سیاسی .

تأثیرات در عرصه ی امنیتی :

- سرکار آمدن حکومت های مردمی ، اسرائیل را به فکر دفاع انداخته و آن را به سمت تقویت تسلیحات نظامی  
 برد تا بتواند امنیت مرزی اسرائیل را حفظ کند .
  - نگرانی عده ی اسرائیل در مورد کب دیوید است که ممکن است حفر همان کب دیوید را عمیق تر کند ،  
 حکومت حفر فلسطین در زمان بیداری اسلامی نیز موصوفات نگرانی اسرائیل را اجماع آورده است .
  - نگرانی دیگر اسرائیل ، گروه های تکفیری و سلفی هستند که ممکن است در آینده امنیت اسرائیل را به خطر بیندازند .
- تأثیرات در عرصه ی اقتصادی :

اسرائیل ۵۰٪ از گاز خود را از مصر تأمین می‌کنند. بیداری اسلامی می‌تواند موجب قطع صدور گاز شود. در این دو سه سال، حدود ۲۰ بار انفجار خطوط گاز اسرائیل توسط مردم مصر صورت گرفته است.

**۲ تأثیرات در زمینه‌ی اجتماعی:** بحران جمعیت و آسوب‌های ضدبانی در ۲۰۱۱ علیه دولت؛ نگرانی از سربازیت روگردانی جوانان در اسرائیل نظیر مصر؛ ترس از بی‌ثبات‌سازی موضع‌گیری در رابطه با انقلاب با در اسرائیل.

\* اسرائیل و آنتی‌سنفعلانه دانسته؛ زیرا با غنای بیشتر شدن مثل آمریکا. اسرائیل موضع صبر را در تحولات بیداری اسلامی در پیش گرفته و سیاست

\* از دیگر اقدامات اسرائیل، توتیت روابط با ترکیه بود. چون این طور فکر می‌کردند که ترکیه نقش الگو در بین کشورهای مسلمان دارد.

\* سیاست ایران عراسی برای مانع شدن از نزدیک شدن کشورهای ایران از دیگر اقدامات اسرائیل بود.

**«سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در زمینه‌ی بیداری اسلامی»**

**منافع آمریکا در خاورمیانه با استناد به سخنرانی اوباما در سازمان ملل در سال ۲۰۱۲:**

- ۱ حفظ امنیت آزاد انرژی؛ آمریکا انرژی را فرمای برای خودش می‌خواهد برای مقدس هم تضمین می‌خواهد.
  - ۲ مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی؛ مبارزه با القاعده، اسلام‌سفی، ...
  - ۳ مبارزه با سلاح‌های گسترده‌ی جمعی.
  - ۴ حفظ ثبات در خاورمیانه.
  - ۵ توسعه‌ی دموکراسی و حقوق بشر.
  - ۶ ایجاد بازارهای آزاد در خاورمیانه (استرس لیب‌الیم اقتصادی).
  - ۷ حفظ امنیت اسرائیل و پیش برد روند سازش.
  - ۸ جلوگیری از خروج منطقه‌ای مخالف غرب.
  - ۹ حمایت از متحدان و شرکای منطقه‌ای.
- چرا آمریکا حامی وضع موجود و مخالف هرگونه بی‌ثباتی است.

جلسه‌ی چهارم ۹۳/۳/۳

**انقلاب‌های منطقه‌ای چه اثری بر سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه داشته است؟**

از آن جایی که انقلاب‌ها باعث برهم خوردن نظم منطقه شده، منافع آمریکا نیز به خطر افتاده است. در زمینه‌ی

انرژی، امنیت انرژی به خطرات آن است با بقیه قدرت‌ها. گسترش افراطی آن با استیلا بر منطقه‌ای شکل گرفته است؛ به شایسته گسترش یافته و مبارزه با آن حاسم است. گسترش اسلام‌گرایی اصلاحی که خواست مردم است، مغایر با منافع آمریکا است. تعویق مواضع کشورهای مخالف آمریکا نظر ایران نتیجه این انقلاب‌هاست. نوع حمایت آمریکا از متحدانش نیز متزلزل شده است. تهدیدات علیه منافع اسرائیل نیز که در نتیجه این انقلاب‌ها بوده، منافع آمریکا را به خطر انداخته است. گسترش دموکراسی و حکومت‌های مردم‌نیز از جانش آمریکا و غیره است؛ زیرا باعث کاهش وابستگی به دولت‌های غربی می‌شود. سیاست آمریکا همواره دولت‌محوری بوده نه مردم‌محوری. احتمال وقوع جنگ‌ها داخلی (ازین‌روشن‌بناست) با شکل‌گیری انقلاب‌ها افزایش می‌یابد و این مورد نیز منافع آمریکا را به خطر می‌اندازد. شکست‌های بین‌اقوام و احزاب نیز منافع آمریکا را به خطر می‌اندازد. این موارد باعث گسترش بحران، منافع مخالف می‌شود.

البته بلوک‌های جدید قدرت شکل گرفته، تحولات جدید سرکار آمدند، تحولات جدید و انقلابی با تحولات دیگر و قبله در گریز شوند.

نظم جدید منطقه‌ای، لزوم بازتعریف نظم منطقه‌ای توسط آمریکا را مشخص می‌کند،  
**رویکرد آمریکا به تحولات بسیاری اسلامی؛**

- این تحولات را یک روند تاریخی می‌دانند در ادامه‌ی تجربه‌ی امپریالیسم عثمانی و خارج شدن بعضی کشورها از گنبد استعمار از جنگ سرد.

- هیچ‌کس از این تحولات مصون نیست.
- رئیس این تحولات را دولت‌های ضعیف، ورگشته و ناکام که کارآمدی لازم را برای اداره‌ی کشور خود ندارند می‌دانند. از دیگر ریشه‌ها: رسانه‌ها، استبداد و نظام‌های بسته.
- این تحولات را درونی و ذاتی می‌دانند. از خارج قابل دیکته کردن نیست.
- ما در ابتدای راه هستیم. خاورمیانه آستان حوادث است.

**چالش‌های سیاست‌گذاری آمریکا در زمینه‌ی بسیاری اسلامی؛**

سیاست آمریکا، سیاسی انفعالی بود. او با ما به عدم توانایی کنترل تحولات اعراف کرد. سیاست آمریکا و البته بود و در واقع بی‌برنامه بودند.  
 تأکید بر اصلاحات دموکراتیک و حق تعیین سرنوشت کشورها دوباره مطرح شد.  
 چالش آمریکا در حوزه‌ی علمی، پارادوکس ارزش و منفعت است؛ زیرا ارزش آمریکا تأکید بر دموکراسی است و من در علم، دولت‌محور بودند.

مبارزه با افزایش نژادی در منطقه موجب همکاری با نهادهای امنیتی کشورهای و در نتیجه جلوی اصلاحات رژیم می شود.  
تضعیف شود.

مبارزه با افزایش نژادی در منطقه موجب همکاری با نهادهای امنیتی کشورهای و در نتیجه جلوی اصلاحات رژیم می شود.  
میشود برد اصلاحات با تنش های همراه است. مدیریت این تنش برای آمریکا سخت است.  
تضمین امنیت اسرائیل از چالش های دیگر آمریکاست که حل مسئله فلسطین در درازمدت است.

**راهکارهای ایالات متحده برای حل این چالش ها:**

- ۱) کمک به اصلاحات درون ولی با اصلاحات
- ۲) تداوم حضور نظامی آمریکا در منطقه برای تضمین امنیت سرکها و مبادی
- ۳) برهیز از ارتقا به یک سو و واحد در منطقه
- ۴) ترویج مدل اسلامی سکولار
- ۵) نزدیکی به جامعه مدنی کشورهای خاورمیانه و ارتباط گیری با اسلامگرایان این کشورها
- ۶) تقویت حقوق بشر، شفافیت و پاسخگویی کشورها
- ۷) پیش برد و تقویت روند سازش

**الگوهای اقدام آمریکا نسبت به تحولات میدانی اسلامی:**

- مداخله ای نظامی در لبنان
- تلاش برای حفظ وضع موجود در عربستان، اردن، بحرین
- استقلال مدیریت شده قدرت مانند یمن
- مدیریت از طریق انجام انتخابات و مداخله در نتیجه انتخابات مانند مصر که با مردم همراه شده ولی حمایت از مرستی را شروط کردند یعنی او را مدیریت کردند

**جلسه یازدهم، ۱۵ اردیبهشت ۹۳**

**سیاست خارجی روسیه:** روسیه به دنبال تبدیل شدن به یک قدرت جهانی است؛ از طریق نو سازی اقتصادی، بازسازی قدرت در عصر جهانی (پس از فروپاشی بریتانیا خود را از دست داد) و دستیابی به جایگاه مناسب در حوزه ای انرژی، تجهیزات نظامی، مخالفت با استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در آسمان وچک، تعلیق بیان سلاح های متعارف اروپا، استقرار سیستم های دفاع موشکی، گسترش نسبی با محواره ای

**پیشینه روابط**

در زمان جنگ سرد روکرد تعارض و تقابل از سوی آمریکا و روسیه وجود داشت. هدف روس ها به حداقل رساندن

حاجت از

منافع و نفوذ آمریکا بود؛ از طریق اجراء کونسی هدف دیگر، منفعت اقتصادی از طریق فروش تسلیحاتی به کشورهای خاورمیانه بوده است. در مسئله فروش تسلیحات با اسرائیل، روسیه به دنبال موازنه بودند گاهن حاجت از اسرائیل و گاهن حاجت از اجراء با بقای کار آمدن کوریا جهت تنش زدایی سرعت گرفت.

بعد از جنگ سرد، آهونه برای روسیه اولویت داشت: ۱. خارج نزدیک (آسیای مرکزی و قفقاز) ۲. ترکیه، ایران و افغانستان ۳. سایر کشورهای خاورمیانه. منافع صیانتی برای خارج نزدیک، منافع مهم برای حوزه های ترکیه، ایران و افغانستان و منافع برای لایه سوم داشت.

گاهن فروش تسلیحات، در مسئله اجراء و اسرائیل به دنبال میانجیگری و سازش رفت. افزایش روابط با سوریه، روکرد آیدئولوژیک آن که از بین رفت و به دنبال سود اقتصادی رفت. تقابل با غرب به چگونگی تبدیل شده است. به دنبال افزایش نفوذ هدفمند نه فقط از طریق سیاسی و نظامی بلکه به دنبال سود اقتصادی هستند. سبب کلی روس ها اصحاب منزله قبلی و تبدیل شدن به یک امپراتور است. اما چون خاورمیانه حوزه های سنتی نفوذ آمریکا به شمار می رود، خیلی نتوانسته تاثیرگذار باشد. روابط با ایران و سوریه و کمی با مصر دارد. دیگر شکل روسیه، افراط گرایی و تندروسم در منطقه است. در بعد اقتصادی کشورهای خاورمیانه به عنوان رقیب برای روسیه محسوب می شوند ولی روسیه تلاش کرده اند تا از این رقابت با سرمایه گذاری منفعت ببرند.

**نگرانی روسیه نسبت به منهدمی بیداری اسلامی:**

- تأثیر احتمالی تحولات در داخل روسیه: **الوئوری مردم روسیه [۱۴۹] مردم اعلام کردند اگر یک چنین اتفاقی بیفتد حاضرند به صحنه بیایند.**
- تأثیر احتمالی بر کشورهای پیرامونی روسیه (حوزه های نفوذ روسیه: آسیای مرکزی و قفقاز)
- تقویت احتمال دخالت ناتو در کشورهای دیگر بیداری اسلامی. روس ها با گسترش ناتو به شرق مخالف اند و هم چنین با اجزای مخالفی که ناتو در غیر حوزه های خودش مخالف اند.
- تهدید منافع اقتصادی: زیرا روسیه در بسیاری از کشورهای خصوصاً آسیای مرکزی سرمایه گذاری کرده بود.
- روی کار آمدن حاکمان افراط گرا.

**فرصت های روسیه در بیداری اسلامی**

۱. اصلاحات: برای مردمی موجب کاهش نفوذ غرب و در نتیجه جایگزینی شدن روسیه می شود.
۲. انقلاب: برای منطقه، باعث اجراء توجه غرب به اوراسیا و حوزه های نزدیک روسیه و باعث احکام نفوذ روسیه می شود.

۳. افزایش قیمت نفت و تأمین منابع روسیه؛ روسیه همواره از افزایش قیمت نفت حمایت کرده است.

\* در مورد روسیه، روس ها به قطع نامه ۱۹۲۷ رأی مثبت دادند. دلایل: روسیه در آن مقطع نمی خواست با ناتو تقابل مستقیم کند. / اختلاف پوتین و مددوف در رأی دادن / نگران نسل کشی قذافی باوتوی روسیه بودند / منافع روسیه در روسیه پس از سقوط قذافی با حفظ مرز (در صورت عدم همکاری با غرب، منافع آن ها در روسیه از بین می رفت).

\* در مورد سوریه این اتفاق نیفتاد. دلایل حمایت روسیه از سوریه و اسد:

۱. تأسیسات و پایگاه نظامی در طرطوس سوریه از ۱۹۷۱، ۲. اساسنامه امنیتی از سرگیری افزایش توانی ۳. تلاش برای حفظ متحدانش ۴. مخالفت با دخالت نظامی غرب (رویکرد ضد غرب پوتین) ۵. فروش تسلیحات ۶. منافع از شکل گیری نظم مورد نظر غرب در خاورمیانه ۷. بحاکمیت سنتی در حقوق بین الملل پایبند بودند. ۸. مخالفت با گروه های افراطی ۹. سرمایه گذاری های اقتصادی در سوریه ۱۰. تقویت جبهه اسلامی

**جایگاه و منزلت اتحادیه اروپا:** برضی رئالیست نمی توانند نقش خاصی در نظام بین الملل ندارند. اما برهه آلتیست ها می توانند قدرت نرم آن زیاد است.

**اروپایی ها در مقابل خاورمیانه ملاحظاتی دارند:**

- رویکرد اتحادیه اروپا تک وجهی نیست، چند بعدی می باشد.
- وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی بیشتر تر از آمریکا است لذا اهمیت بیش تر دارد. از طرف دیگر می خواهد خاورمیانه را جایگزین روسیه کند.
- از سرگیری تحرکات به اروپا نگران بودند چون حمایتی خاورمیانه امریک.
- موج گسترده کشورهای مسلمان به کشورهای اتحادیه اروپا باعث شده سیاست های معضات آن ها اتخاذ کنند.
- مخالف یکجانبه گرایی آمریکا در خاورمیانه اند.
- نکته: کشورهای اتحادیه اروپا سیمینا فارسی واحدی در مقابل خاورمیانه ندارند.

**راهبردهای اروپا در مقابل خاورمیانه:**

۱۱. تأکید بر ثبات و همکاری با کشورهای منطقه برای تأمین منابع برخلاف یکجانبه گرایی آمریکا.
۱۲. تأکید بر حل مسکله فلسطین؛ فصول کمی آمریکا را ازوما کارساز نمی دانند.
۱۳. تأکید بر تقویت همکاری های کشورهای منطقه و تفریق توجه به این ویژگی ها؛ تقابل با کشورهای با یک فصول واحد ممکن است.
۱۴. تأکید بر دیپلماسی و حقوق بشر.
۱۵. تفریق حل مسئله بحران در خاورمیانه نظر نفع، بهداشت، تروریسم.
۱۶. تأکید بر مقابله با تروریسم، سلاح های گسترده و مهاجرت غیرقانونی.

۷) ٹاکنڈ پر توسیعی جامعی مدنی در منطقہ .

۸) ٹاکنڈ پر چند جانبی تر اس .

۹) ٹاکنڈ پر تقدم صلح پر دموکراسی .

۱۰) ٹاکنڈ پر نقش ترکیب در ظاهر صیاح کے باید قدر بخند شود .

**اقدامات اروپایی ها در عمل :**

۱. مشارکت اروپا - مدیترانه (EMU) در کنفرانس پارسلونا : وزاری اتحادی اروپا + ۱۲ کشور ساحلی مدیترانه

لئے حکمرانی در منطقہ حوزہ : گمنونی سیاسی با هدف ایجاد منطقہ ای با ثبات و صلح و مثبتی پر دموکراسی .

تعمیرت روابط اقتصادی با هدف روابط آزاد تجارتی .

حکمرانی در امور اجتماعی و فرهنگی با هدف ایجاد مفاهیم و برقراری ارتباط بین فرهنگ لیس مختلف .

۲. سیاست همسایگی اروپا (ENP) ← ۲۰۰۴ با هدف ایجاد یک خطہ امنیتی برای اتحادی اروپا در مقابل چین ، روسیہ ،

براهمت غیر قانونی ، قاچاق مواد مخدر ، حملہ زلزلہ و ...

۳. امنیتی موافقت نامہ لیس با شورای حکمرانی خلیج فارس ؟ هدف : حفظ ثبات و امنیت گور لیس خلیج فارس ، تأمین انرژی .

**رویکرد اتحادی اروپا به مسئلہ فلسطین :**

○ تلاش بر حفظ روابط با کشورهای عربی .

○ حلّ مسئلہ فلسطین منجر بہ حفظ امنیت می شود ، پس مسئلہ ای مهم است .

○ توجہ بہ مطالبات فلسطینی ها ( کاری که آمریکا نکرده است )

○ محکم کردن اسرائیلی ها ( ملاحظہ ندارند )

○ درصد قابل توجهی از مردم اروپا ، اسرائیل را تهدید صلح می دانند .

○ توجہ بہ توسیعی سیاسی ، اقتصادی ، رفاهی و زیر بنایی سرزمین فلسطین

← احتمال این که اتحادی اروپا ، نقش میانجیگری را در این مسئلہ ایفا کنند ، امکانی قوی است .



جلسه سی و نهم . ۱۷ / ۳ / ۹۳

ملاحظات و چالش های اتحادیه اروپا در مقابل بیداری اسلامی :

- تهدید مهاجرت غیرقانونی به اروپا : بیش از نیمی کشور های اسلامی از جمله لیبی ، تونس ، مصر و ... آمار مهاجرت از آنرا بیش از ۲۳ میلیون حدود ۲۳ هزار نفر وارد اتحادیه شدند و ۲۴ هزار نفر از تونس ...
- مسئله ای که این مهاجرت ها ایجاد می کند : مسئله اجتماعی به دلیل عدم تجانس فرهنگی ، سطح زندگی متفاوت / مسئله اقتصادی و رکود اقتصادی / مسئله امنیتی ، افزایش جرم و جنایت / اصلاغبین مهاجرین .
- گسترش انقلاب لیبی خاور میانه به اروپا : بیداری از سطح امنیتی انقلاب در اروپا هم وجود دارد از جمله بشاری ، مرکوری ... که می توانند منجر به انقلاب در اروپا شود .
- تهدیدات اقتصادی : صادرات نفت و اروپا بین آنرا یک نفت خاور میانه نیازمند است . انقلاب باعث کاهش صادرات نفت خواهد شد .

- رشد اسلام سیاسی : روی کار آمدن حکومت های اسلام گرا به جای سکولار و گسترش الگوی اسلامی حکومت . مشکل زمانی ایجاد می شود که اسلام افراطی و سلطنتی به اروپا وارد شود .
- رشد و نفوذ الگوی مقابل با استکبار جمهوری اسلامی موجب کاهش غرب گرایی می شود .

واکنش کشورهای اتحادیه اروپا در مقابل تحولات بیداری اسلامی :

- خروج تبعه های اروپا از کشورهای درگیر انقلاب .
  - جلوگیری از افزایش مهاجرت به اتحادیه اروپا .
  - نقش فعالی را در جامعه جهانی در سازمان ملل در کنترل و مدیریت بیداری اسلامی .
  - سیاست تحریم معاملات مصری ، تونس ، ...
  - لغو مسکن های بی سرواسته از طریق برنامدهای جهانی غذا ، بانک مرکزی آمریکا .
  - تلاش برای مداخله در روند نظام سازی کشورهای انقلابی ؛ برای تأمین منافع اتحادیه اروپا در ۲۰۱۱ مصوبه این از اتحادیه گذاشت که سیاست مهار را ملگ و تسهیل می کرد :
  - ۱. حمایت از روندهای انقلابی به شکل دموکراسی و نهاد سازی .
  - ۲. تلاش برای مشارکت جامعه های مدنی .
  - ۳. تسویه این کشورها به رشد و توسعه بیداری .
- \* مقابله با جریان های رادیکال و سلطنتی از طریق حمایت از سکولار ها در کنار این اقدامات صورت گرفت .
- \* مشارکت در اقدام نظامی علیه لیبی از حمایت های بود که در مورد لیبی انجام شد . فرانسوی که در لیبی به

دنیال افزایش تقوی جهانی خود و اصلاحی اعتبار گذشته‌های خود بودند.  
 انگلستان در چهارچوب هر اهرن با آمریکا علیه لیبی اقدام کرد به جلوگیری از فاجعه‌ی انسانی + مراصله‌ی پسر دوستانه.  
**جمع بندی:** سیاست دوگانه‌ی اتحادیه‌ی اروپا که در مسئله‌ی سوریه دیده شد ۱۰ توجه به منافع خود به جای حقوق بشر /  
 بسیاری از اقدامات به منظور سهم‌سازی و ایجاد فرصت برای استغناء در آینده بود. / اروپایی‌ها عمل‌گرایان نیستند به  
 نحوه‌ی منطقه‌ی عمل‌گراوند یعنی مبتنی بر منافع خود.

« چین »

اقتصادی اصلی سیاست خارجی چین بر مبنای برسئله اقتصادی است. ابزارهای مثل تجارت دو جانبه، کمک‌های چین به  
 کشورهای دیگر، امضای قرارداد تجارت آزاد با کشورهای دیگر برای رسیدن به برسئله اقتصادی مورد استفاده‌ی چین است.  
 مقابله با محدودیت‌هایی که مانع از آزادی عمل چین در نظام بین‌المللی شود، دیگر سیاست چین است.  
 سوم اطمینان بخشیدن به همسایگان. چهارم، گسترش توسخ در تأمین کالاها، مورد نیاز خود. پنجم، کاهش قدرت  
 مانور تایوان. ششم، رهبر از رویارویی مستقیم با غرب و آمریکا؛ چون چین اهداف اقتصادی دارد ولی صلح است  
 در آینده ادعای سیاسی داشته کند. هفتم، تأمین منافع از طریق نهادگویی بین‌المللی و همکاری با کشورهای دیگر.

چند نکته در خصوص چین و خاور میانه

- نکته ۱: حضور و نفوذ آمریکا در خاور میانه، چین را با محدودیت مواجه کرده و لذا با آمریکا سوختن دارند.
- نکته ۲: چین به دنبال حفظ روابط با تمامی کشورهای خاور میانه حتی اسرائیل است.
- نکته ۳: چین در رقابت تسلیحاتی با آمریکا دست می‌کند آمریکا تحریم می‌شود.
- نکته ۴: دسترسی به منابع انرژی مهم‌ترین سیاست چین است.
- نکته ۵: رویکرد متعادل‌گرایی چین نشان دهنده‌ی این است که نمی‌خواهد با آمریکا درگیر شود.
- نکته ۶: چین روابط نیمه استراتژیک با کشورهای منطقه دارد.
- نکته ۷: چین‌ها نمی‌خواهند روابطشان با کشورهای خاص در خاور میانه، توازن قوا در منطقه را بهم بزنند.
- نکته ۸: چین از درگیری مستقیم با غربی‌ها بپرهیز می‌کند.
- نکته ۹: خاور میانه اولویت اصلی سیاست خارجی چین نیست؛ بلکه همسایگان و مقابل با قدرت‌های جهانی اولویت چین است.

موانع روابط چین با کشورهای خاور میانه:

- اول: نفوذ و حضور مستقیم و گسترده‌ی آمریکا.
- دوم: رقابت‌های درون منطقه‌ای.
- سوم: مشکلات داخلی کشورهای (ساحه کشورهای) ...

چین برای تبدیل شدن به قدرت جهانی نیاز دارد. لذا در خاور میانه اقدام به سرمایه گذاری گسترده کرده است. در این راه همکاری نزدیکی داشته اند؛ از جمله:

به روابط کشورهای نفتی با آمریکا  
به تکنولوژی پایین تر چین ها نسبت به اروپایی ها. فریب کشورهای چین، ریسک پذیری بالای شرکت های چین است.  
فریب دیگر چین، نیاز مندی کشورهای منطقه به کالاهای چین است.  
در بعد تجاری: مهم ترین شرکت تجاری در منطقه عربستان است.

خاور میانه 7٪ از تجارت چین را در اختیار دارد. 87٪ واردات چین از خاور میانه نفت است. 3٪ مواد خام و 10٪ مواد شیمیایی.  
67٪ صادرات چین به خاور میانه کالاهای مصرفی است.

یکی از اقدامات چین، تشویق شرکت های چینی به سرمایه گذاری در چین است زیرا تکنولوژی چین به نسبت اروپا از آن کم است. مجاورت جغرافیایی نسبت به غرب و آمریکا دارد.

**جمع بندی که مسائل اقتصادی چین در خاور میانه:** اولویت سرمایه گذاری خارجی چین، خاور میانه است. سرمایه گذاری چین در منطقه به خاطر موارد اولیه و انرژی است. عوامل سیاسی نیز در روکرد های چین لحاظ می شود. دین ضعیف کم چین به دنبال جذب تکنولوژی های برتر منطقه ای است. از ایران نیروی کار متخصص به چین می رود.

**روابط چین با خاور میانه در حوزه های سیاسی - امنیتی:**  
حوزه ای اصلی رابطه چین با جهان شان خود است اما قابل با آمریکا با یک نره در نقاط مختلف جهان اقدامات داشته باشند. استراتژی رسمی در برابر: نفوذ در زیر ساخت های کشورها و تقویت روابط دیپلماتیک از شرق آسیا تا خاور میانه. تلاش برای تقویت نظامی - تلاش برای تقویت قدرت فرهنگی و قدرت نرم: دوره های آموزشی، بورس های تحصیلی.  
چین ها ساختار نظام بین الملل را پذیرفته اند. در زمان ها قابل داشته اند.

**جمع بندی:** مهم ترین منافع چین، انرژی است. به دنبال منافع اقتصادی اند. به دنبال ثبات منطقه هستند. با شیوه های نامین ثبات توسط آمریکا می آید.

**رفتار چین در مقابل سیدرات اسلامی:** یک رفتار محتاطانه است و عمل گرایان. رأی صریح در مقابل پس در چین غالب است. حفظ ثبات برای رسیدن به منافع خودشان مهم است. به دنبال اینجای نشین بازنگر استول است.  
توسیع چین از نفوذ سیدرات اسلامی به مناطق مسلمان نشین چین و سرکوب مسلمانان چین، سانسور اخبار سیدرات اسلامی، هر گونه شباهت بین چین و کشورهای اسلامی را تخریب کردند.

**رفتار چین در مقابل سوریه:** از لاک خود خارج شد و در کنار روسیه به مخالفت پرداخت.

- ۱- دلایل اعلامی : ۱- چین مخالف مداخله در امور داخلی کشور است .
- ۲- چین با سیاست تنبیه و تحريم مخالف است .
- ۳- دعوت به مذاکره به جای جنگ .
- ۴- دفاع چین از حقوق حاکمیت کشورها .

- سیاست های اعلامی : ۱- مخالفت با طراحی آمریکا در مورد تقم خاموشی
- ۲- روی کار آمدن حکومت حامی غرب ، منافع چین را به خطر می اندازد .
- ۳- ...
- ۴- تضعیف ایران ، به ایران نگاه انزوازی دارند .
- ۵- ترس از اجرای مدل چین .